

اوریا نا فالاجی

# جنسِ ضعیف

(گزارشی از وضعیتِ زنانِ جهان)

ترجمہ

یغما گروی



مؤسسہ انتشارات نگاہ

«تأسیس ۱۳۵۲»

این کتاب برگردانی است از :

## Le Sex inutile

Dalmate

Julliard-Paris

1967

**توضیح:** عنوان اصلی این کتاب جنس بی فایده یا جنس بی مصرف است  
اما از آن جا که سال ها با نام جنس ضعیف برای خواننده گان فارسی زبان شناخته شده  
از همان عنوان برای کتاب استفاده شد.

دوست عزیز!

ترجمه‌ی کتاب «یک مرد» در ایران مرا خوش حال و شگفت‌زده کرد. خیلی‌ها هنوز آن کتاب را بهترین اثرِ من می‌دانند، هرچند خودم معتقدم بهترین اثرم آن است که فردا خواهم نوشت.

از چاپ کتابِ «نامه به کودکی که هرگز زاده نشد» به زبان فارسی هم احساسِ خوش‌بختی خواهم کرد. این دو کتاب را هنوز دوست می‌دارم. من چند بار به سرزمینِ قالی‌های پرنده سفر و با شخصیت‌های سیاسی‌اش مصاحبه کرده‌ام. نمی‌دانم که مصاحبه‌ها در آن جا چاپ شده‌اند یا نه. در هر حال از ترجمه شدنِ هر کدام از کتاب‌هایم که در ایران امکانِ چاپشان باشد خوش حال می‌شوم.

همان‌طور که خودتان نوشته بودید کشور شما عضو قانونِ جهانیِ حق مؤلف نیست، ولی این موضوع اهمیتی ندارد. همان شاخه‌گلی را که از ایران برایم فرستاده بودید، به حسابِ حقِ تألیفِ خود از این کتاب‌ها می‌گذارم. لطفاً چند نسخه‌ی دیگر از ترجمه‌ی کتاب‌ها را برایم بفرستید.

با تشکر

اوریان‌فالچی

تابستون بود... مدیر روزنامه ازم پرسید:

«حاضری یه سفر به دورِ دنیا بری و از چند تا کشورِ شرقی

گزارش بگیری؟»

گفتم:

«آره... اما درباره‌ی چی باید گزارش بنویسم؟»

«درباره‌ی وضعیتِ زنانِ اون جا...»

بعدش اضافه کرد باید منتظر رسیدن زمستون بمونم تا بارونا و سیلای

فصلیِ کشورای شرقی تموم بشن...

همیشه سعی می‌کردم تا اون جا که می‌شه درباره‌ی زنا و چیزایی که به

اونا مربوطه چیزی بنویسم. نمی‌دونم چرا از این کار ناراحت می‌شدم و کلی

ماجرا به نظرم مسخره می‌اومد. آخه مگه زنا از یه نژاده دیگه‌ان، یا از یه

سیاره‌ی دیگه اومدن که باید جُداگونه و تو بخشِ خاصی از روزنامه

درباره‌شون مطلب نوشت؟ مثل بخشِ ورزشی، یا سیاسی، یا هواشناسی!

زن و مرد واسه زنده‌گی کردن کنارِ هم به وجود اومدن و از اون جا که این

موضوع - بر عکسِ نظرِ یه عده منحرف - خیلی هم لذت‌بخشه، دلیلی نداره